

## رجال پهلوی

آسیه آل احمد و فاطمه معزی

ضرورت تدوین زندگینامه رجال دوره پهلوی (۱۳۵۷-۱۲۹۹ش) ما را بر آن داشت تا به این ضرورت پاسخ گوئیم و به تهیه و تنظیم زندگینامه آنها پردازیم، پس بنا را بر این گذاشته‌ایم که در هر شماره فصلنامه چند تن از این رجال را که در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوره پهلوی نقش مهمی داشته‌اند معرفی کنیم. تدوین این زندگینامه‌ها با تکیه بر منابعی چون کتابها، نشریات و اسناد موجود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر تدارک دیده شده است. منظور از این تحقیق، بازگویی واقعه‌ها، با اتکا بر مدارک و اسناد است. امید است از رهنمودهای آشنایان به تاریخ معاصر بهره‌مند شویم و نیز این مبحث راهگشای پژوهشگران علاقه‌مند به تاریخ دوران پهلوی باشد.

### آبتین، علی

علی آبتین فرزند حسن در سال ۱۲۸۲ش. در قزوین متولد شد. پس از به پایان رساندن دوره دانشکده افسری تهران در سال ۱۳۱۱ به استخدام اداره بازرسی مجلس درآمد و بعدها به معاونت این اداره ارتقا یافت. در سال ۱۳۳۰ پس از تأسیس مجلس سنا آبتین به ریاست بازرسی این مجلس منصوب شد. در همین سمت بود که با سرلشکر فضل‌الله زاهدی رابطه دوستانه پیدا کرد. سرلشکر فضل‌الله زاهدی، که به اتهام شرکت در قتل سرتیپ محمود افشارطوس رئیس شهربانی دولت دکتر مصدق به فرمانداری نظامی احضار شده بود، به مجلس سنا پناه برد و یک ماه در این مکان متحصن بود. در این دوران علی آبتین رییس بازرسی سنا مأمور پذیرایی از وی بود و به همین مناسبت رابطه‌ای دوستانه بین این دو شکل گرفت. بر پایه همین رابطه دوستانه و خدمت به زاهدی بود که بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علی آبتین در ۲۹ مرداد به مدیریت کل بازرسی نخست‌وزیری منصوب شد و پس از آن نیز به ریاست دفتر نخست‌وزیر سپهبد فضل‌الله زاهدی ارتقا یافت. آبتین در دوران نخست‌وزیری سپهبد

زاهدی از ارج و قرب خاصی برخوردار بود و به عنوان نماینده وی عمل می‌کرد، چنانکه تقی‌زاده در این مورد می‌نویسد: «آبتین همه‌کاره زاهدی بود».<sup>۱</sup> مشاغل دیگر وی عضویت در شورای عالی مشورتی نخست‌وزیری، شورای عالی طوائف، شورای امور اجتماعی و مشورتی اصناف تهران، دبیری کنگره بین‌المجالس ایران و ریاست بازرسی مجلس سنا بود.

علی آبتین همچنین عامل اطلاعاتی سفارت آمریکا بود و اطلاعات باارزشی در خصوص مجلس سنا و نمایندگان این مجلس در اختیار سفارت می‌نهاد. در گزارش سری سفارت آمریکا، مورخ ۶ اردیبهشت ۱۳۴۹، از او به عنوان «منبع اطلاعاتی باارزش» و «یک حیوان سیاسی»<sup>۲</sup> یاد شده است. به نظر می‌رسد که رابطه نزدیک وی با سفارت پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد و از طریق سپهبد زاهدی شکل گرفته باشد و این ارتباط اطلاعاتی تا سال ۱۳۵۷ در دوران انقلاب ادامه داشت و وی همچنان نظر سفارت را در مورد اطلاع‌رسانی تأمین می‌کرد. در گزارش خیلی محرمانه مورخ ۲۰ دی ۱۳۵۷ سفارت آمریکا آبتین از طرد روحانیان میانه‌رو و طرفدار سلطنت در قم خبر می‌دهد.<sup>۳</sup> این عامل اطلاعاتی سفارت آمریکا، همچون دیگر رجال حکومت پهلوی، موفق شد با اوج‌گیری انقلاب از ایران خارج شود و در انگلستان پناه بگیرد.

علی آبتین فراماسونر و عضو لژ ستاره سحر بود. او همچنین موفق به کسب مدالهای مختلفی چون مدال رستاخیز (مدال مخصوص ۲۸ مرداد)، مدال درجه سه سپاس، مدال درجه یک صنایع و مدال درجه هفت همایون شد.

### آتابای، ابوالفتح

ابوالفتح آتابای فرزند آقاخان از یاران نزدیک محمدرضا پهلوی بود که در جوانی به واسطه عموی خود تیمسار سرلشکر دکتر هادی آتابای، داماد بزرگ رضاشاه به دربار راه یافت. اولین شغلی که به وی واگذار شد ریاست گاراژ ولیعهد در سال ۱۳۱۷ بود. تفاوت کم سنی وی و ولیعهد باعث دوستی آن دو شد گرچه محمدرضا پهلوی، در اوج قدرت، دوستان دیگری چون اسدالله علم را که در سیاست نیز صاحب نظر بودند بر وی ترجیح

۱. زندگی طوفانی، خاطرات سید حسن تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۷۲، ص ۲۹۴.

۲. استاد لانه جاسوسی، رابطن خوب آمریکا، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱. لازم به یادآوری است که منظور از واژه حیوان سیاسی یا بیان منفی یا تحقیرآمیز نیست بلکه این واژه را «ارسطو» در اطلاق به «انسان» به عنوان یکی از ویژگیهای معیبه انسان و متمایز ساختن انسان از جانوران به کار برده است.

۳. استاد لانه جاسوسی، خط میانه، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱.

می‌داد. در شهریور ۱۳۲۰، پس از حمله متفقین به کشور، رضاشاه قصد ترک تهران و عزیمت به اصفهان را داشت. این اقدام منجر به حرکت بسیاری از رجال به سمت اصفهان شد تا به شاه پیوندند. ابوالفتح آتابای میرآخور ولیعهد نیز به همراه نصرالله انتظام از تهران به سوی اصفهان حرکت کردند ولی در قم با شنیدن شایعه بازگشت شاه به تهران آنان مجدداً به پایتخت برگشتند.<sup>۱</sup>

پس از به سلطنت رسیدن محمدرضا پهلوی در شهریور ۱۳۲۰، آتابای در سمت خود ابقا شد. در سال ۱۳۲۳، علاوه بر میرآخوری و سرپرستی گاراژ سلطنتی، سرپرستی شکارگاههای سلطنتی را نیز بر عهده وی نهادند، و یک سال بعد به ریاست اداره شکارگاهها منصوب شد. در جریان کودتای نافرجام ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ بر ضد دولت دکتر مصدق، محمدرضا پهلوی مجبور به گریز از کشور شد و همراهان وی در این سفر ابوالفتح آتابای، ثریا اسفندیاری و خلیبان خاتم بودند. آتابای در بغداد و رم شاه فراری را همراهی می‌کرد. محمدرضا پهلوی در کتاب پاسخ به تاریخ اظهار می‌کند که آتابای میرآخورش او را به اصرار در این سفر همراهی کرد.<sup>۲</sup> پس از اجرای کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بازگشت پیروزمندانه محمدرضاشاه، آتابای به سرپرستی کاخهای سلطنتی منصوب شد.

در سال ۱۳۴۰، با روی کار آمدن دولت دکتر امینی، طرح اصلاحات دولتی و رسیدگی به فساد مالی دولتمردان آغاز شد. امینی در گفت و گویی با شاه به مسئله فساد مالی اطرافیان وی پرداخت و از جمله به آتابای نیز اشاره کرد: «مثل اینکه در مورد این بیچاره [ابوالفتح] آتابای که زمینی را در بهشهر به سازمان برنامه فروخته بود در همین دستگاه آقای ابتهاج، زمین مال غیر - یک پانصد هزار تومان، یک همچنین چیزی هم بود. به شاه گفتم آقا یک همچنین چیزی هم است. بالاخره یا پولش را باید بیاید به ما پس بدهید یا بایستی ایشان را تعقیب کنیم. گفتند من؟ گفتم نمی‌گویم شما ولی بالاخره این بسته شماست.»<sup>۳</sup> شاید این یکی از دلایلی بود که باعث شد آتابای نیز به جرگه مخالفان دکتر امینی در دربار پیوست و به محمدرضاشاه توصیه می‌کرد که از ریشه [دواندن] امینی جلوگیری کند.<sup>۴</sup>

۱. خاطرات نصرالله انتظام، شهریور ۱۳۲۰ از دیدگاه دربار، به کوشش محمدرضا عباسی و بهروز طیرانی. تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱، صص ۲۷-۳۵.

۳. خاطرات علی امینی، به کوشش حبیب لاجوردی، تهران، گفتار، ۱۳۷۶، ص ۱۴۰.

۴. پیشین، ص ۱۵۲.

در سال ۱۳۴۰ ش. ابوالفتح آتابای به عضویت کانون شکار ایران، که کانونی متشکل از شاه و دیگر درباریان علاقه‌مند به شکار بود، درآمد. با انتصاب امیراسدالله علم به وزارت دربار در سال ۱۳۴۵ ش. ساختار وزارت دربار تغییر اساسی کرد و سه معاونت در زیر مجموعه این وزارتخانه ایجاد شد. آتابای نیز در سال ۱۳۴۶ به یکی از معاونتها، که معاونت امور انتظامی وزارت دربار بود، منصوب شد و تا خروج محمدرضا شاه در دی ۱۳۵۷ در این پست باقی ماند. از جمله وظایف آتابای در این سمت «چشیدن و مهرور کردن غذای همایونی»<sup>۱</sup> بود. از سال ۱۳۴۷ نیز کمیته‌های متعددی برای برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله تشکیل شد آتابای در ابتدا به ریاست کمیته پذیرایی و از سال ۱۳۴۹ به ریاست کمیته فنی و تجهیزات اقامتگاههای سران کشورهای مدعو در این جشن پرهزینه منصوب شد. در این دوره او مأمور سفارشهای کلان جشنهای ۲۵۰۰ ساله بود که بالطبع برای وی منافع مالی فراوان داشت. علاوه بر این منافع دوره‌ای، او در باند مافیای مالی دربار پهلوی نیز قرار داشت و از سهامداران شرکت سهامی خاص نازدشت میناب و کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز بود که اکثر سهامداران این شرکتها را افراد درباری تشکیل می‌دادند. ابوالفتح آتابای چون در جرگه یاران خوشگذران محمدرضا پهلوی قرار داشت چندان مورد عنایت فرح دیبا نبود.<sup>۲</sup> البته از سوی محمدرضا پهلوی هم چندان جدی گرفته نمی‌شد، چنانچه علم در مورد واگذاری کاخ مرمر به شهرداری تهران در خاطرات خود می‌نویسد: «آتابای معاون انتظامی من به شاه عرض کرده بود فقط خود کاخ را بدهیم و محیط اطراف آن را نگهداریم. امروز من عرض کردم این کار در شأن شاهنشاه نیست یا مرحمت نفرمایید یا اگر مرحمت می‌فرمایید محوطه را هم بدهید. فرمودند کاملاً درست می‌گویید؛ آتابای بچه گنداست و فکر او هم متحجر است».<sup>۳</sup>

همسر آتابای بدری خواجه‌نوری بود که با تحصیلات کتابداری ابتدا به معاونت کتابخانه سلطنتی و بعد به ریاست این کتابخانه منصوب شد. آتابای دارای سه فرزند پسر به نامهای کامروز، کامران و کامبیز بود. کامروز آتابای در سال ۱۳۴۸ در فرح‌آباد خودکشی کرد<sup>۴</sup> ولی دو فرزند دیگر هر دو به مشاغل مهمی در دربار منصوب شدند. با وقوع انقلاب اسلامی، در ۲۶ دی ۱۳۵۷ آتابای بار دیگر محمدرضا پهلوی را در گریز از کشور همراهی نمود و این بار بازگشتی در کار نبود و او مجبور به اقامت در آمریکا شد تا اینکه در سال ۱۳۷۵ درگذشت.

۱. سند مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره ۴۵-۳۲-۱۱۱۴.

۲. اسدالله علم، یادداشتهای علم، ویراستار علی‌بنی عالیخانی، تهران، انتشارات معین و مازیار، ج ۱، ص ۲۷۷.

۳. پیشین، ج ۲، ص ۱۸. ۴. پیشین، ج ۱، ص ۱۹۰.

حکم انتصاب میرآخوری ابوالفتح آتابای



وزارت دربار شاهنشاهی  
اداره کارگزینی  
حکم انتصاب

تاریخ تحریر  
تاریخ پاکتوس  
تاریخ شرح ۱۳۲۲/۴/۲۰

شماره مدرسی ۱۱۷۶  
شماره خصوصی

شماره پیشنهاد ..... شماره پیشنهاد .....

نام	نام و نام خانوادگی محل تولد و تابعیت	آقای ابوالفتح آتابای
شغل	قبل از صدور این حکم سوءت این حکومت	سید مسیح‌نور سید میرآخور دو بار شاهنشاهی دو بار شاهنشاهی
پایه	قبل از صدور این حکم سوءت این حکومت	حکمی
حقوق ماهانه	قبل از صدور این حکم سوءت این حکومت	دوازده هزار و پانصد ریال دوازده هزار و پانصد ریال ریال از تاریخ ۱۳۲۲
عدد معاش	قبل از صدور این حکم	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲
نوع اعاده	سوءت این حکم	۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲
گور تفادیر	اصلاً معلوم ماه اول برج گور بناگاه از فرمان صمدی	— —
توضیحات		
رو برونش	ارسال بشود	T-۱۱۴-۳-۲۷-۲۴
رو برونش		وزیر دربار شاهنشاهی 

### حکم انتصاب ابوالفتح آتابای به ریاست اداره شکاربانی

دربار شاهنشاهی

شماره ۵۴۸۲

تاریخ ۱۳۲۳/۱۲/۲۸

حیبه

آقای ابوالفتح آتابای | آتابای | میرآخور دربار شاهنشاهی  
برحسب تصویب پیشگاه مبارک از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۲۴ امور اداره شکاربانی  
تحت تصدی شما قرار می‌گیرد. لازم است در نظم و ترتیب کار و حسن انتظام قُرق و  
شکارگاههای سلطنتی لازمه جدیت و مراقبت را مبذول دارید.  
بدیهی است حق‌الکفاله قانونی از تاریخ فوق از محل بودجه اداره شکاربانی در مورد  
شما پرداخت خواهد گردید.

وزیر دربار شاهنشاهی [حسین علاء]

[ ۱۱۴-۳۲-۵ آ ]

### مکتوب ابوالفتح آتابای به اسدالله علم مبنی بر نپذیرفتن مسئولیت فرزندان

حمیدرضا پهلوی

دربار شاهنشاهی

جناب آقای علم وزیر محترم دربار شاهنشاهی  
محترماً به عرض می‌رساند: همان‌طوری که دستور فرمودید، نسبت به نگهداری  
فرزندان والاحضرت حمیدرضا اقدام لازم به عمل آمد و اخیراً هم با اجازه آن جناب به  
مدارس شبانه‌روزی معرفی شدند.  
لذا به علت گرفتاری کارهای روزانه این جانب، خواستم تقاضا کنم اجازه فرمایند  
یک شخص مناسب برای رسیدگی به وضع آنها تعیین گردد و در واقع یک نفر روانشناس  
لازم دارند که آنها را سرکشی و صحبت نماید و گاهی هم به اتفاق به گردش هفتگی  
بروند. اینک استدعا دارم این موضوع را در نظر گرفته و دستوری صادر فرمایند.  
معاون انتظامی وزارت دربار شاهنشاهی

ابوالفتح آتابای

[ ۷۹۴-۳۲۷-۵ ع ]

مکتوب اسدالله علم به ابوالفتح آتابای درخصوص نظارت بیشتر بر امور واگذارشده به وی

دربار شاهنشاهی

خیلی خیلی محرمانه

همکار عزیزم جناب آقای آتابای معاون محترم دربار شاهنشاهی

امروز میوه امیوه‌ای که به اطاق همایونی برده بودند بد بود؛ هم پوسیده بود و هم بوی خاصی می داد که فوق‌العاده باعث ناراحتی خاطر خطیر همایونی شده بود. من که از خجالت سرافکننده شدم. از همین امروز قدغن فرمایید تمام میوه و تمام مشروب و تمام غذای همایونی قبل از مصرف به وسیله شخص جنابعالی یا ذوالفقاری یا کامبیز [آتابای] رسیدگی و چشیده شود؛ بعد ممهور شده برای مصرف تقدیم گردد. اسدالله علم  
[ ۴۵-۳۲-۱۱۴ آ ]

مکتوب فاطمه پهلوی به ابوالفتح آتابای

جناب آقای آتابای

چک ۴۰۰۰ دلار [را] بالاخره نوشتیم و شما مقداری سر ما را کلاه گذاشتید. حالا دفعه دیگر خواهش می‌کنم معامله بهتری بفرمائید.

خیلی ممنونم.  
فاطمه پهلوی

[حاشیه به خط آتابای:] چک عیناً [به] پیشگاه مبارک تقدیم شد.

۷/۶/۶

[ ۷-۲۳-۱۱۴ آ ]

آتابای، کامبیز

کامبیز آتابای، فرزند نخست ابوالفتح و بدری آتابای، در سال ۱۳۱۸ در تهران متولد شد. پس از پایان تحصیل متوسطه در ایران، برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت و در دانشگاه نظامی سلطنتی سند هرست به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۰ از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و در ۱۳۴۳ دوره عملیات هوایرد و چتربازی را در مدرسه مخصوص نظامی آمریکایی طی کرد.

آتابای باتوجه به نوع تحصیلات خود مدت چهار سال در ارتش ایران به خدمت پرداخت؛ ولی، باتوجه به مقام پدرش در دربار، او نیز از ارتش خارج شد و به دربار راه

یافت و در سال ۱۳۳۹ به ریاست اصطبل سلطنتی که از اولین مشاغل ابوالفتح آتابای بود منصوب شد و به این ترتیب راه خود را در دربار پهلوی برای مشاغل مهم‌تری هموار کرد گرچه با داشتن این مشاغل هرگز موفق نشد که به یک رجل سیاسی تبدیل شود و مانند پدرش در حد دوست گرمابه و گلستان شاه باقی ماند. پس از ریاست اصطبل سلطنتی در سال ۱۳۴۴ به سمت ریاست اداره کل شکاربانی و گاراژ سلطنتی ارتقای مقام پیدا کرد و سه سال بعد یعنی در ۱۳۴۷ از سوی وزیر دربار اسدالله علم با حفظ سمت به ریاست کل سازمان فنی و خدمات عمومی دربار منصوب شد. در سال ۱۳۵۳ نیز به آجودانی کشوری محمدرضا شاه منصوب شد. آجودان کشوری و لشکری از پستهایی بود که به دوستان و یاران نزدیک شاه داده می‌شد تا به راحتی شاه را در همه جا همراهی کنند. در همین سال او به ریاست فدراسیون فوتبال نیز منصوب شد. در سال ۱۳۵۴ از سوی وزیر قدرتمند دربار اسدالله علم به مدیرکل وزارت دربار ارتقا یافت و این سمت خود را تا آخرین روزهای حکومت پهلوی حفظ کرد. وی در همین سال به عنوان مدیرعامل انجمن سلطنتی اسب انتخاب شد. شروع انقلاب اسلامی باعث شد تا در مهر ماه ۱۳۵۷ وزارت دربار اقدام به حذف پستهایی چون آجودانی کشوری و لشکری و تشریفات دربار کند که در نتیجه آن کامبیز آتابای نیز سمت آجودانی خود را از دست داد<sup>۱</sup> ولی سرپرستی امور انتظامی و اجرایی دربار به وی واگذار شد که این شغل را تا قبل از بهمن ۱۳۵۷ عهده‌دار بود. کامبیز آتابای از درباریانی بود که در دی ماه ۱۳۵۷ به همراه شاه کشور را ترک کردند و خاندان سلطنتی را همراهی نمودند.<sup>۲</sup> او در مراکش و مصر با شاه مخلوع همراه بود. پس از مرگ محمدرضا پهلوی، در فعالیتهای سلطنت‌طلبان برای بازگشت نظام سلطنتی به ایران شرکت نمود و مدتی کوتاه مسئول رادیو نجات ایران از سوی خاندان پهلوی شد که مرکز پخش آن در قاهره بود. قسمتی از هزینه این رادیو توسط سازمان سیا و قسمتی توسط خاندان پهلوی تأمین می‌شد.<sup>۳</sup> با پراکنده شدن خاندان پهلوی از مصر، آتابای به فرج در آمریکا پیوست. در آمریکا ابتدا رسیدگی به امور مالی فرج پهلوی به او واگذار شد و در حال حاضر نیز ریاست دفتر نامبرده را عهده‌دار است. کامبیز آتابای در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی نشانهای درجه یک ملک عبدالعزیز، نشان درجه دو آبادانی و پیشرفت ایران، نشان درجه دو همایون، نشان درجه سه تاج و عنوان جناب را دریافت کرده است.

۱. مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، بحران در ۵۷، لندن، پکا، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۱۸۷.  
 ۲. احمدعلی انصاری، من و خاندان پهلوی، به کوشش محمد برقی و حسین سرفراز، تهران، پیکان، ۱۳۷۶، ص ۲۱۱.  
 ۳. پیشین، ص ۲۱۲.





EMBASSY OF THE  
UNITED STATES OF AMERICA

Tehran, Iran

August 21, 1973

Mr. Kamfiz Atabali  
c/o Persian Shikar  
Forest Avenue North  
Tehran

Dear Mr. Atabali:

Congressman Sikes told me in the most glowing terms of his delightful outing with you in the Imperial Preserve last week. He was exceptionally pleased with his day's hunt as well as the sumptuous repast which you had kindly arranged for him at your home. But he was most impressed with your own warmth of personality and welcoming hospitality.

Your efforts were a major contribution in making Congressman Sikes' visit to Iran the great success it was, and I want to convey my deepest appreciation.

With warmest regards and very best wishes,

Sincerely,

Richard Helms  
Ambassador

نامه ریچارد هلمز سفیر آمریکا به کامبیز آتابای | ۱۱۷۲۵۲-۲۹-۱

به تاریخ ۲۱/اوت ۱۹۷۳ سفارت ایالات متحده آمریکا

آقای کامبیز آتابای

از طریق شرکت شکار ایران

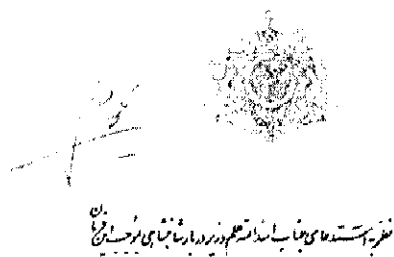
تهران، خیابان فرصت شمالی

آقای آتابای عزیز:

آقای سایکس، عضو کنگره در بهترین وازگان از تفریح دلپذیر خود به همراهی شما در شکارگاه سلطنتی طی هفته گذشته برای من سخن گفتند. او از شکار آن روز خود و نیز غذای مفصلی که در منزل خود برای ایشان ترتیب دادید، بسیار خرسند بود. اما ایشان بسیار تحت تأثیر خونگرمی و مهمان‌نوازی شما قرار گرفتند. زحمات شما نقش مهمی در موفقیت سفر آقای سایکس، عضو کنگره داشت و من مایلم مراتب قدردانی عمیق خود را اظهار نمایم.

با گرم‌ترین درودها و بهترین آرزوها

ارادتمند ریچارد هلمز  
[امضاء] سفیر



نخستین دست‌نویس‌های بنیاد علم و فرهنگ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

کتابخانه آقای آتابای، تهران، مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت: ۱۱۷۲۵۲-۳۲۳-۶ | تاریخ ثبت: ۱۳۸۵/۰۵/۲۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۲۰۹-۴

۵۲۵/۱۲/۲۹

دارد

جناب آقای کامبیز آتابای  
مدیرکل دربار شاهنشاهی  
موضوع: ایفاد یک برگ فرمان  
یک برگ فرمان دایره بر اعطای عنوان جناب که به توشیح مبارک اعلیحضرت همایون  
شاهنشاه آریامهر رسیده است برای زیارت جناب عالی می‌فرستم و این افتخار را تبریک  
می‌گویم. ک

وزیر دربار شاهنشاهی  
اسدالله علم

## نامه تشکر اسدالله علم به کامبیز آتابای

۱۷ - نوامبر ۲۵۳۶

کامبیز عزیزم در تهران فرصت نشد که به تو بگویم از آنچه که در شب بحرانی من کرده بودی اطلاع دارم و چه اندازه ممنون و متشکرم. فقط از اینجا این مطلب را تکرار می‌کنم و تو را صمیمانه می‌بوسم. خداوند تو را با سعادت و سالم در خدمتگذاری به ساحت مقدس شاهنشاه موفق بدارد.

بابا را از طرف من هزار بار بیوس و بگو که احساسات رقیب او را نسبت به خودم هرگز فراموش نکرده و نمی‌کنم.

اسدالله علم

[ ۱-۲۷-۱۱۷۳۵۲ ]

## آتابای، هادی (سرلشکر، دکتر)

سرلشکر دکتر هادی آتابای فرزند حاجی محمدجعفر و بیگم خانم متولد ۱۲۷۱ ش.<sup>۱</sup> از افسران قزاقخانه بود که در ابتدا به عنوان دستیار پدر که طبیب قزاقخانه بود در این نیرو مشغول به کار شد و به طبابت پرداخت. سپس برای ادامه تحصیل به آلمان رفت، با مدرک دکترای پزشکی به ایران برگشت و به طبابت در مدرسه گروهبانی نیروی قزاق مشغول شد. در سال ۱۲۹۹ ش. در دسته کوهستانی مدرسه گروهبانی بود که سرکوبی جنبش جنگل و عقب راندن روسها از شمال کشور را برعهده داشت.<sup>۲</sup> در سال ۱۳۰۱ ش. با فاطمه همدم السلطنه نخستین دختر رضاخان سردار سپه، وزیر جنگ دولت مستوفی الممالک، ازدواج کرد<sup>۳</sup> و در همین سال به درجه سرهنگی ارتقا یافت و در ضمن به ریاست صحنه لشکر مرکز منصوب شد.<sup>۴</sup>

پس از به سلطنت رسیدن رضاشاه سرهنگ هادی خان آتابای به ریاست صحنه کل ارتش منصوب شد و در سال ۱۳۰۷ به درجه سرتیپی<sup>۵</sup> ارتقا یافت. سپس برای تکمیل تحصیلات خود به آلمان اعزام شد. در این زمان سیاست گرایش به آلمان در ایران دوره رونق خود را طی می‌کرد. سرهنگ آتابای در این سفر با سازمان اطلاعاتی آلمان مرتبط شد و پس از بازگشت به عنوان عامل اطلاعاتی این سازمان در ایران به فعالیت پرداخت و

۱. سند شماره ۳ تا ۱-۷-۲-۱۱۱۶، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲. «قدم به قدم با میرنیک رضاخان»، ابراهیمی، سالنامه دنیا، شماره ۱۵، سال ۱۳۳۸، ص ۶۰.

۳. سند شماره ۳ تا ۱-۷-۲-۱۱۱۶، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۴. باقر عاقلی، رضاشاه و قشون متحدالشکل، تهران، نامک، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴.

۵. باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، گمنام، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۶۲.

گزارشهای خود را با استفاده از تسهیلات محموله‌های دارویی ارسال می‌کرد.<sup>۱</sup> سرتیپ آتابای در سال ۱۳۱۷ به درجه سرلشکری ارتقا یافت<sup>۲</sup> و همچنان در پست خود ابقا شد. در سوم شهریور ۱۳۲۰ ش.، با حمله متفقین به ایران، به دستور رضاشاه ستاد جنگ به ریاست سرلشکر ضرغامی تشکیل شد که دوایر مختلفی را شامل می‌شد؛ یکی از این دوایر دایره بهداری به ریاست تیمسار سرلشکر آتابای بود. این ستاد پس از استعفای رضاشاه منحل اعلام شد و در پی تصفیه‌ای که متفقین برای پاکسازی ارتش ایران از عوامل وابسته آلمانی انجام دادند در ششم آبان ۱۳۲۰ اکثر رؤسای این ستاد یا بازنشسته شده یا از ارتش اخراج شدند. سرلشکر هادی آتابای نیز از ارتش اخراج و به وزارت بهداری منتقل شد.<sup>۳</sup> اما متفقین تنها به این اقدام اکتفا نکردند و تصمیم جدی‌تری برای ژرمنوفیل‌های نظامی گرفتند؛ برای این منظور در اوایل سال ۱۳۲۱ آتابای را به «علت داشتن سوابق جدی به طرفداری از آلمانها»<sup>۴</sup> بنابه تقاضای سفارت انگلیس به کرمان تبعید کردند و تحت نظر شهربانی قرار دادند. با توجه به اینکه احتمال پیروزی آلمانیها در جنگ از بین نرفته بود نظارت بر حرکات ژرمنوفیل‌ها از سوی متفقین در ایران صورت می‌گرفت و به همین جهت آتابای در کرمان نیز به شدت تحت نظر کنسولگری انگلیس بود و رفت و آمدهای وی به تهران گزارش می‌شد. سر ریدر بولارد در مکتوبی به نخست‌وزیر وقت، احمد قوام السلطنه، از سفر آتابای به سیرجان و ملاقات وی با حسین بوچاقچی که از هواداران آلمان بود اظهار نارضایتی کرد و به وی تذکر داد: «مشارالیه باید کاملاً از عللی که به آن واسطه، سرتیپ آتابای به کرمان منتقل گردیده کاملاً با خیر باشد و ممنون خواهد شد تعلیمات خیلی فوری به مشارالیه صادر گردیده که این قبیل کارها را تکرار نکنند و چنانچه مجدداً مرتکب این بی‌احتیاطی گردد سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ممکن است لازم بداند به دولت ایران تأکید کند که سرتیپ آتابای را به نقطه دیگر انتقال دهند.»<sup>۵</sup> این جریان ملاقات توسط قوام پیگیری شد و به همین مناسبت فرمانده لشکر کرمان سرتیپ کاووسی از سوی وی توبیخ شد و به آتابای نیز تذکر داده شد که «چنانچه متوجه موقعیت مشکل خود نشود و رفتاری خارج از حزم و احتیاط بنمایند وضعیت خود را مشکل‌تر نموده و ناگزیر با وضعیت محدودتری به محل دیگری

۱. از ظهور و سقوط (مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا) ترجمه و تنظیم: دانشجویان پیرو خط امام، تهران، مرکز اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۶۶، ص ۱۲۵.

۲. رضاشاه و قشون متحدالشکل، ص ۶۷۰.

۳. روزشمار تاریخ ایران، ج ۱، ص ۲۴۰.

۴. ایران در اشغال متفقین «بازداشت‌شدگان»، تهیه و تنظیم: اداره کل آرشیب، اسناد و موزه، تهران، مرکز اسناد

ریاست جمهوری، ۱۳۷۶، ص ۳۱.

۵. پیشین، ص ۳۲.

منتقل خواهند شد.<sup>۱</sup>

سرلشکر آتابای تا سال ۱۳۲۴ همچنان در تبعید بود و در اواخر سال ۱۳۲۷ درگذشت. زندگی مشترک او با همدم السلطنه با تبعید رضاشاه به پایان رسید و حاصل این ازدواج سه فرزند به نامهای امیررضا، ملکه اقدس (سیمین)<sup>۲</sup> و سیروس آتابای بود که به آنان نیز مشاغلی در دربار داده شد.

### آجودانی، احمد (سرتیپ، مهندس)

سرتیپ مهندس احمد آجودانی، از افسران نیروی هوایی بود که به مدت دو سال، از ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۳، فرماندهی تیپ تعلیمات نیروی هوایی را عهده‌دار بود. سرتیپ احمد آجودانی در ۱۹ فروردین ۱۳۳۳ در دادگاه تجدیدنظر نظامی وقایع ۲۵ الی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که برای رسیدگی به اتهامات دکتر محمد مصدق و سرتیپ تقی ریاحی تشکیل شده بود یکی از هشت دادرس بود. این دادگاه در بیست و شش جلسه تشکیل شد و سرانجام با شش عضو دائم رأی خود را در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۳ اعلام کرد. رأی دادگاه تجدیدنظر تأیید رأی دادگاه بدوی و محکوم نمودن دکتر محمد مصدق به همان سه سال حبس مجرد و محکوم نمودن سرتیپ ریاحی به سه سال حبس با کار بود. آجودانی که یکی از شش عضو اصلی دادگاه تجدیدنظر بود با رأی دادگاه مخالف و معتقد بود که بانوجه به خدمات سابق دکتر مصدق، او باید مشمول یک درجه عفو قرار گیرد و حبس مجرد وی تبدیل به سه سال حبس عادی گردد و درخصوص حکم سرتیپ تقی ریاحی نیز رأی به تبدیل سه سال حبس با کار به یک سال حبس تادیبی داد. دکتر محمد مصدق در اعتراض به رأی دادگاه تجدیدنظر خود معتقد بود که این افسرانی که به عنوان دادرس انتخاب شدند باید رأی به عدم صلاحیت دادگاه می‌دادند چنانچه سرتیپ نوتاش این کار را کرد و آنان که صلاحیت دادگاه را تأیید کردند همگی در پی ترفیع و ارتقا به مشاغل بالاتر بودند.<sup>۳</sup>

انتصاب سرتیپ احمد آجودانی به مدیریت بنگاه برق تهران بعد از این دادگاه، تأییدی برگفته دکتر مصدق درخصوص ترفیع این افراد بود. آجودانی تا سال ۱۳۳۹ در مقام مدیریت این بنگاه باقی ماند و باروی کار آمدن دولت دکتر امینی برکنار شد. زمانی که طرح مبارزه با مفاسد مالی دولتمردان سابق در دستور کار دولت دکتر امینی قرار گرفت و بسیاری از مقامات دستگیر شدند، سرتیپ آجودانی نیز در ۲۵ اردیبهشت

۱. پیشین، ص ۳۵. ۲. سند ۳ تا ۱-۲۰۷-۱۱۱۶، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۳. صفحاتی از تاریخ معاصر ایران، اسناد نهضت مقاومت ملی ایران، نشریات راه مصدق و ضمایم آن، ص ۴۱۵.

۱۳۴۰ برای بازپرسی به دادسرای دیوان کیفر احضار و دستگیر شد. رسیدگی به پرونده بنگاه برق آغاز شد ولی سرانجامی نداشت و آجودانی نیز پس از مدتی از زندان آزاد شد، ولی از آن پس دیگر به مشاغل دولتی روی نیاورد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی